



## An analytical-descriptive reading on the reasons for immigration and its effect on the increase in crime; A case study of immigration to America

Abdol Vahid Zahedi<sup>1\*</sup> Nahid Soleymani<sup>2</sup>

<sup>1</sup> \* Corresponding Author, Professor Yar, Department of Law, School of Law, South Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran [Zahedi20233@yahoo.com](mailto:Zahedi20233@yahoo.com)

<sup>2</sup> Master's student, criminal law and criminology, Department of Law, Faculty of Law, South Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran [soleymani.n2024@gmail.com](mailto:soleymani.n2024@gmail.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received  
March 11, 2023  
Accepted  
May 22, 2023

**Keywords:**  
*Immigration,  
discrimination, crime,  
citizen, America*

### ABSTRACT

Various factors are involved in the emergence of social harms, but among the various factors, it can be said that the role of immigration in the expansion and creation of gaps and social harms seems to be more prominent. There is a close relationship between migration and marginalization, migrants migrate from villages to cities and settle in marginal areas. Low income, unusual jobs, unfamiliarity with the environment, unfavorable economic conditions in all dimensions attract rural migrants to marginal areas and around big cities. Migration from less developed countries to developed countries also sometimes faces such a situation. Even in the case of legal immigration, the discrimination between the immigrant and his native colleague in terms of income and the use of facilities and ancillary services of citizens is significant.

The upcoming essay intends to analyze the reasons for immigration to investigate its impact on the increase in crime in the receiving country, and in the meantime, the United States, as one of the main destinations of immigrants, is considered a very suitable example for this study.



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۸۹۴۴-۲۹۸۰

پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی

<http://www.api.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

## خوانشی تحلیلی - توصیفی بر دلایل مهاجرت و تاثیر آن بر افزایش جرم؛ مطالعه موردی مهاجرت به آمریکا

عبدالوحید زاهدی\*<sup>۱</sup> ناهید سلیمانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استاد یار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران، [Zahedi20233@yahoo.com](mailto:Zahedi20233@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران،

[soleymani.n2024@gmail.com](mailto:soleymani.n2024@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۱۲/۲۰

پذیرش نهایی:

۱۴۰۲/۰۳/۰۱

عوامل مختلفی در پیدایش آسیب‌های اجتماعی دخیل هستند اما از میان عوامل گوناگون شاید بتوان گفت نقش مهاجرت در گسترش و به وجود آمدن شکاف‌ها و آسیب‌های اجتماعی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. میان مهاجرت و حاشیه‌نشینی رابطه تنگاتنگی وجود دارد، مهاجران از روستاها به شهرها مهاجرت کرده و در مناطق حاشیه‌ای سکنی می‌گزینند. درآمد پایین، شغل‌های نامتعارف، ناآشنایی با محیط، شرایط نامطلوب اقتصادی در همه ابعاد سبب جذب مهاجران روستایی به مناطق حاشیه‌ای و اطراف شهرهای بزرگ می‌شود. مهاجرت از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته نیز بعضاً با چنین حالتی روبه‌روست. حتی در صورت مهاجرت قانونی باز هم تبعیض میان فرد مهاجر و همکار بومی وی از نظر درآمد و استفاده از امکانات و خدمات جانبی شهروندان، چشمگیر است.

جستار پیش رو در نظر دارد با واکاوی دلایل ایجاد مهاجرت به بررسی تاثیر آن بر افزایش جرم در کشور پذیرنده بپردازد و در این میان کشور آمریکا به عنوان یکی از اصلی‌ترین مقاصد مهاجران نمونه‌ی بسیار مناسبی برای این بررسی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی:

مهاجرت، تبعیض، جرم، شهروند،

آمریکا

## ۱- مقدمه

إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا<sup>۱</sup>

کسانی که فرشتگان روح آن‌ها را گرفتند درحالی که به خویشان ستم کرده بودند، به آن‌ها گفتند: شما در چه حالی بودید؟ گفتند: ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند: مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ آن‌ها جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند.

از دیرباز سودای زیستی بهتر در سرزمینی که پنداشت رویاها را به مرز برآوردگی می‌رساند، همزاد آدمی بوده است. مهاجرت با هر انگیزه‌ای همواره در جهت رسیدن به خواست‌ها و آرزوهایی بوده که در سرزمینی موعود جست‌وجو شده و مانند واحه‌ای سبز در دل بیابانی خشک خود را نمایانده است. این کُنش انسانی همواره برای غنی‌سازی فرهنگ، اقتصاد، دانش، تجربه‌های بشر و کارآمدی روزافزون آدمی به کار آمده است. گاه مهاجرت سبب بنیادگذاری سرزمینی مانند آمریکا شده که همگان را از چهارگوشه جهان به سوی خود و تحقق آرزوهای بزرگشان فرا می‌خواند و گاه از سرزمین‌هایی آغاز شده که اسیر خشکی، فقر، فساد و تنگی معیشت بوده‌اند. همان‌گونه که مردمان سرزمین‌های اروپایی در جست‌وجوی آرزوهای خود به سرزمین فرصت‌ها؛ آمریکا مهاجرت می‌کردند تا بنیاد فرهنگی خود را در آنجا بنا نهند، به کارآفرینی و نوآوری دست یازند و در کنار اندک مردم بومی، زندگی خود را ارتقاء بخشند، خواسته و ناخواسته سرزمینی را بنا نهادند که کعبه آمال بسیاری از جاماندگان و آسیب‌دیدگان از قافله عصر روشنفکری و پیشگامی شد تا بتوانند به کمیته خواسته‌هایشان برسند. آمریکا بومی‌ترین سرزمین مهاجران در دنیاست که با موفقیت کامل توانست جامعه آمریکایی را بدون حضور آمریکاییان واقعی پایه گذارد و این سرزمین پهناور را مکان امنی برای مهاجران جهانی کند.<sup>۲</sup> (گریزولد، ۲۰۱۸: ۵) با وجود آنکه مهاجرت فرصت‌ها و فواید بی‌شماری را برای مهاجران، جوامع مبدا و میزبان فراهم می‌آورد اما اگر از راه‌های نامتعارف صورت گیرد و مقررات و شرایط حاکم بر آن روشن و آشکار نباشد، می‌تواند به چالش‌هایی همچون عدم پذیرش، نبود پشتیبانی کافی از مهاجران در کشورهای میزبان به دلیل غفلت از تخمین ورود غیرمنتظره آنان و مرگ مهاجران در سفرهای خطرناک منجر شود. (UNHCR, 2017: 143)

در سال ۱۹۵۸ در مجمع جهانی بهداشت روانی در وین، تاثیر روانی مهاجرت در وقوع جرائم مورد بحث و بررسی قرار گرفت و ناراحتی‌های روانی مهاجران که غالباً ناشی از اندوه و دل‌تنگی دوری از زادگاه و اضطراب و نگرانی از بیکار شدن است، بیش از عوامل اقتصادی در عدم انطباق اجتماعی و حتی عدم تطابق حرفه‌ای، موثر اعلام شد. (دانش، ۱۳۹۲: ۳۴۴) مهاجرت به عنوان یک پدیده انسانی دارای پیامدها و بازتاب‌هایی است که یکی از آن‌ها ارتکاب جرم و اختلال در امنیت سرزمینی و ملی کشور محل اقامت مهاجران است. به عبارت دقیق‌تر مهاجرت‌های بین‌المللی و به ویژه مهاجرت غیرقانونی دارای بازتاب‌ها و پیامدهای مختلف امنیتی، جزایی‌اند. (نرگسی خرم‌آباد و همکار، ۲۰۲۰: ۲۲)

## ۲- مهاجرت

<sup>۱</sup>سوره نساء، آیه ۹۷

<sup>۲</sup> مرکز Mercatas در آمریکا تحت نظارت دانشگاه George Meson است که پژوهش‌های دانشجویان ارشد و دکتری را در اختیار مراجع قانونگذار و ذی‌صلاح قرار می‌دهد تا برپایه آن قانونگذاری و مانند آن انجام شود.

## ۱-۲ - پیشینه مهاجرت در آمریکا

ایالات متحده آمریکا از بدو تأسیس مهاجرپذیر بوده است و بیشتر ساکنان این کشور را افراد مهاجر یا فرزندان آن‌ها تشکیل می‌دهند. بسیاری از آمریکایی‌ها در ظاهر به این واقعیت افتخار می‌کنند. مهاجران این کشور را از پایه ساخته‌اند و همچنان به پیشرفت آن کمک می‌کنند و عامل تغییر در کمیت و ترکیب جمعیت، اقتصاد و بازار، کار، سیاست جامعه و فرهنگ آمریکا هستند. در ابتدای شکل‌گیری کشور آمریکا، شرایط پذیرش مهاجر به ظاهر آسان بوده و حتی مردم به آن تشویق می‌شدند. به گفته جان اف کندی<sup>۳</sup> آمریکا کشور مهاجران است و کسانی که شجاعت مهاجرت به قاره جدید، استقامت و تحمل بردگی را داشتند، این کشور را ساختند. در سال ۱۹۷۰ جمعیت آمریکا ۷۶ میلیون نفر بود و کمتر از ۴ میلیون نفر (۴/۸ درصد) از آن‌ها مهاجر بودند.

بر پایه آمار سرشماری جمعیت آمریکا در سال ۲۰۱۹ میلادی ۱۳/۷ درصد از کل ۳۲۸ میلیون نفر (حدود ۴۵ میلیون نفر) را مهاجران تشکیل می‌دادند. (Budiman, 2020)

در ۱۷۹۰ میلادی تنها سفیدپوست‌هایی می‌توانستند تابعیت این کشور را بگیرند که شهروند نمونه<sup>۴</sup> و قانونمند<sup>۵</sup> شناخته می‌شدند. در اواخر قرن نوزدهم و در پی انتخاب شهروند نمونه، محدودیت‌هایی برای جلوگیری از مهاجرت افراد سابقه‌دار، افرادی که بیش از یک همسر داشتند، مستمندان و افرادی که دچار بیماری‌های واگیردار بودند، وضع شد. پس از آن بارزترین دگرگونی مهاجرت را می‌توان در اوایل سده بیستم مشاهده کرد، زمانی که جنبش‌های دگرگونی بنیادی و پرآشوب، کل دنیا را در بر گرفته بود و حتی با وجود آنکه آمریکا از این کشورها فاصله زیادی داشت، مهاجرت بزرگ‌ترین عامل سرایت اختلال به درون مرزهای ایالات متحده بود. جنبش‌های دگرگونی بنیادی سیاسی در اروپا، گسترش کمونیسم در چین و روسیه، پیدایش فاشیسم در ایتالیا، ورشکستگی آلمان پس از جنگ جهانی اول و حتی جنگ‌های خاورمیانه نیز که همگی در دهه ۲۰ قرن بیستم اتفاق افتادند بر سیاست‌گذاری‌های این کشور موثر بودند. در نتیجه، در این بازه زمانی، قوانین محدود کننده‌ای اعمال شد که تنها ساکنان برخی کشورهای اروپایی می‌توانستند به آمریکا مهاجرت کنند. (جمشیدی و همکار، ۱۴۰۰: ۳۹۴) در سال ۱۹۶۵ قانون مهاجرت و تابعیت<sup>۶</sup> ایالات متحده آمریکا که به عنوان قانون هارت - سلر<sup>۷</sup> شناخته می‌شد، دچار تغییر شد و سیاست‌های جدید مهاجرتی پدید آمد که بر پایه جذب نیروی کار ماهر به ایالات متحده طراحی شده بود. این قانون نقطه عطفی در سیاست‌های مهاجرتی آمریکا به شمار می‌آید. (Budmiman, 2020) در دهه ۱۹۹۰ تعداد مهاجران غیرقانونی در آمریکا دو برابر شد و در سال ۱۹۹۶ آمریکا و آلمان بیشترین میزان اجازه اقامت به مهاجران را داده بودند. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ هشت میلیون نفر به آمریکا مهاجرت کرده‌اند که بیشتر آنان متخصص رشته‌های مختلف علوم و فنون بوده‌اند. آمار نشان می‌دهد که در سال‌های یاد شده دولت آمریکا ۴ میلیارد دلار به کشورهای خارجی کمک کرده و در همین مدت با جذب متخصص ۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی در هزینه آموزش متخصصان داشته است. (دانش، ۱۳۹۳: ۳۴۸)

<sup>۳</sup> John F. Kennedy

<sup>۴</sup> Model Citizen

<sup>۵</sup> Law Abiding

<sup>۶</sup> Immigration and Nationality Act

<sup>۷</sup> Hurt \_Cellar

اصلاحات رفاهی و مهاجرت همزمان در سال ۱۹۹۶ با تصویب طرح تلفیق موقعیت کاری و مسئولیت پذیری شخصی مربوط به همان سال به اجرا درآمدند. این قانون مربوط به دوره ریاست جمهوری کلینتون بود که شرایط پذیرش مهاجران قانونی را سخت تر و محدودیت های بیشتری را برای استفاده بیگانگان غیرقانونی و غیر مهاجران اعمال کرد. طرح مهاجرت غیرقانونی و مسئولیت مهاجرت<sup>۸</sup> که در سال ۱۹۹۶ اجرایی شد آثار فراگیری هم بر مهاجران و زندگی آن ها و هم بر مزایای اجتماعی در دسترس آن ها گذاشت به گونه ای که از آن به بعد توانایی دولت در دستگیری و اخراج مجرمان و اتباع فاقد ویزا بیشتر شد و نیز توانست محدودیت های بیشتری را بر دسترسی به مزایای دولتی اعمال کند. دوره پس از ۱۱ سپتامبر به تغییرات اداری و اجرایی منجر شد که بر موضوع مهاجرت اثرگذار بودند. از جمله این تغییرات ایجاد بخش امنیت وطنی و جایگزینی سرویس مهاجرت و یکسان سازی<sup>۹</sup> با آژانس اجرای قوانین مهاجرت و گمرکات بود. این تغییرات باعث به وجود آمدن شیوه های نوینی در برخورد با مهاجران قانونی شد که بسیار متفاوت از شیوه های برخورد با شهروندان و اهالی بود. (مروتدار، ۱۳۹۵: ۱۵۲)

## ۲-۲- انگیزه ها و دلایل مهاجرت به آمریکا

شاید بتوان برای بیان انگیزه مهاجرت از سخن گلدشایر بهره گرفت. وی در مقاله اساسی خود با عنوان: «مهاجرت و ساختار اجتماعی» به رابطه متقابل مهاجرت و ساختار اجتماعی به عنوان کشش مهاجر برای مهاجرت می پردازد و این موضوع را در خصوص کشورهای در حال توسعه تحلیل می کند. به گفته او مهاجرت و ساختار اجتماعی رابطه بسیار پیچیده ای دارند و مقایسه الگوهای متفاوت مهاجرت و تحقق حرکت های مهاجرتی در زمینه های اجتماعی متفاوت در کشورهای در حال توسعه ما را به تعمیم ها و تخصیص های واقع بینانه تری در سطح کلان و خرد می رساند

از جمله نقاط تمرکز فکری گلدشایر، رابطه مهاجرت و ساختار خانواده است. مهاجر به منزله عضوی از خانواده خود با ساختار اجتماعی کلان تر پیوند برقرار می کند. عواملی که فرد را به مهاجرت برمی انگیزاند، ریشه در شرایط فضایی و محیطی دارد که فرد در آن زندگی می کند؛ همچنین چگونگی سازگاری مهاجر با اجتماعی که در آن وارد می شود، متأثر از عوامل گوناگونی افزون بر خصوصیات فردی است که به طور عمده در ساختار اجتماعی جامعه پذیرنده شکل گرفته است و با توجه به این ارتباط چندگانه است که می توان نگاهی پویا به مقوله مهاجرت داشت. به عبارت روشن تر محاسبه سود و زیان مهاجرت و تصمیم گیری برای اجرای آن، افزون بر موقعیت اجتماعی شخص مهاجر، به طور کلان متأثر از متغیرهای نیرومندی است که در ساختار اجتماعی و کوچگاهی او وجود داشته و در شکل گیری این حرکت و تحقق آن تأثیر تعیین کننده دارد. (ارشاد و همکار، ۱۳۸۹: ۶۵)

راونشتاین<sup>۱۰</sup> که مبدع مدل مهاجرتی جاذبه است سرچشمه مهاجرت بین المللی را عقب ماندگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه می داند. شرایط اقتصادی به عنوان عوامل رانشی با نیروهای خروجی عمل می کند و مهاجرت های قانونی و غیرقانونی را به طرف ملل صنعتی تشویق می کند. البته عوامل کششی یا رانشی هم در کشورهای دریافت کننده (دستمزدهای بالا، اشتغال، سیستم های رفاهی بهتر) به اندازه عوامل رانشی (دستمزدهای پایین، بیکاری زیاد، رشد کند اقتصادی یا رکود اقتصادی و فقر) توضیح می دهند که چرا و چطور جریان مهاجرت بین المللی شکل می گیرد. در واقع بود و نبود این عوامل انگیزه های قوی و بزرگی در اشخاص ایجاد می کند تا به مهاجرت دست زنند. (جانتن و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۰)

<sup>۸</sup> Illegal Immigration Reform and Immigrant Responsibility Act

<sup>۹</sup> Immigration and Naturalization Service

<sup>۱۰</sup> Ravenstein

در بیان دلایل مهاجرت به آمریکا یک نمونه بسیار جلب توجه می‌کند. مهاجرت پرستاران از فیلیپین به ایالات متحده از جمله مواردی است که از سوی پژوهشگران مختلف مورد توجه قرار گرفته است. یک پرستار فیلیپینی ترجیح می‌دهد پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه‌های کشور زادگاهش، به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کند زیرا میزان حقوقی که در این کشور خارجی به دست می‌آورد به مراتب بیشتر از آن است که در کشور خودش نصیبش می‌شود. افزون بر تبعیض میان او و همکاران بومی در کوچگاه، با مهاجرت این گونه افراد آموزش دیده، شکاف نابرابری میان جامعه فیلیپینی در مورد پزشکی و پرستار با ایالات متحده آمریکا بیشتر و بیشتر می‌شود. (استاگر، ۱۹۹۴: ۱۱۹) بی‌تردید بیکاری و محیط روانی ساخته شده از بیکاری در یک جامعه عامل مهمی است تا به مهاجرت افراد آن بیانجامد. این مسئله عامل دافعه در کشور مبدأ است و طبیعتاً نرخ اشتغال بالا در کشورهای مقصد یک عامل جاذبه به شمار می‌آید. افزایش نرخ بیکاری در کشورهای مقصد تعداد کارگران خارجی را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. (مصطفی‌زاده و همکار، ۱۳۹۷: ۹)

در نتایج به دست آمده از پژوهش‌های مختلف معلوم شده که برای کشورهای توسعه‌یافته مهم‌ترین علت مهاجرت، پس از هزینه‌های مالی مهاجرت، مهاجرت سال‌های گذشته و داشتن روابط خویشاوندی در کشور مقصد و همچنین بالاتر بودن سطح سرانه تولید ناخالص داخلی آمریکا نسبت به کشور خودشان است. اما برای کشورهای در حال توسعه مهم‌ترین علت مهاجرت، افزون بر مشکلات اقتصادی، بیکاری، پایین بودن رفاه، امنیت سیاسی و اجتماعی، افزایش سطح تحصیلات مردم یا به عبارت بهتر افزایش سطح سواد و آگاهی مردم و همچنین عدم رضایت نخبگان از شرایط علمی و پژوهشی کشور خود جهت ادامه تحصیل یا انجام پژوهش است. (جانتن و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۲)

آمریکا با اینکه کشور مهاجرپذیری است اما در دوره‌هایی که بیکاری به اوج می‌رسد، نظر عموم مردم نسبت به همه چیز به ویژه مهاجرت محدود و تنگ‌نظرانه می‌شود، اما بیشتر آمریکایی‌ها از مهاجرت قانونی حمایت می‌کنند و گزارش‌ها حاکی از رابطه خوب آن‌ها با مهاجرانی است که می‌شناسند. با این وجود آمریکایی‌ها نظر مثبتی نسبت به مهاجرت غیرقانونی و مهاجران فاقد ویزا ندارند. همچنین این مسئله برای برخی آمریکایی‌ها تبدیل به مسئله‌ای سیاسی و احساسی مهمی شده است. مهاجرت غیرقانونی و این باور که مهاجران چه قانونی و چه غیرقانونی از تسهیلات دولتی استفاده می‌کنند در حالی که کاری برای آن انجام نداده‌اند موجب ایجاد و گسترش جنبش‌های راست‌گرایانه شده است. (مروتدار، ۱۳۹۵: ۱۴۲)

### ۳- جرم

#### ۳-۱- عوامل موثر بر ایجاد جرم

عوامل مختلفی در ایجاد جرم دخیل‌اند که گروهی از آن‌ها عوامل عمومی و جمعی هستند. از آن‌جا که علوم، امروزه جزء جزء و تخصصی شده‌اند در بررسی‌های جرم‌شناسی می‌بینیم که برای ارتکاب یک جرم، عوامل گوناگونی کنار هم قرار می‌گیرند تا زمینه وقوع جرم فراهم شود. بی‌تردید تک‌تک عوامل نیاز به بررسی و مطالعه جداگانه دارند و همه آن‌ها را نمی‌توان تحت یک عامل بررسی‌د. در خصوص عامل محیطی که یکی از عوامل موثر بر ارتکاب جرم است نظریه‌ها و آراء گوناگونی از سوی جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان ارائه شده و هر کدام از منظر و خاستگاه خود به آن پرداخته‌اند اما آنچه در همه آن‌ها مشترک است و آن اینکه بستر جامعه تحت شرایطی می‌تواند برای ارتکاب عمل مجرمانه آماده شود. مهاجرت از انگشت‌شمار عواملی است که جامعه می‌تواند تحت عواملی آن را جرم‌زا کند. در واقع مهاجرت و همسازی و هماهنگی فرهنگ میان بومیان و مهاجران کاریست دشوار و در

صورت تعارض تأثیر بسزایی در فراهم کردن بستر ارتکاب جرم دارد. هر اندازه اختلافات فرهنگی و محیطی میان دو گروه بومیان و مهاجران کمتر باشد و شکاف حاصله کوچک بماند، احتمال وقوع جرم نیز کاهش می‌یابد. هنجارهای هر جامعه برای افراد آن لازم‌الاجراست و تازه‌واردان با هر عنوان و در هر قالبی برای همسانی با جامعه مقصد ناچارند از هنجارها پیروی کرده و به ارزش‌های جامعه بها دهند. هر گونه تعارض یا تقابلی با ارزش‌ها و هنجارهای قطعی می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم شود و در این بین انگشت اتهام معمولاً به سمت مهاجران گرفته شده و جایگاه آنان به خطر می‌افتد. مهاجران با انگیزه ساختن دنیای بهتر و زندگی متفاوت به سرزمین دیگری پا می‌گذارند و میل دارند جامعه مقصد آن‌ها را پذیرفته و فرایند جذب و حل شدن ایشان با کمترین اصطکاک صورت گیرد بنابراین از هر تشش و برخوردی که به موقعیت تازه آن‌ها خدشه وارد کند، پرهیز می‌کنند. (فردی، ۱۳۹۸: ۲)

واقعیت این است که آدم مهاجر حتی نمی‌تواند مالیات‌دهنده باشد چرا که او دقیقاً یا تقریباً مالک چیزی نیست. در چنین وضعی معمولاً سازگاری مهاجران را با محیط‌های شهری مشکل و فرایند سازگاری را غالباً بسیار طولانی و فرساینده می‌سازد. در اغلب موارد، مهاجرت صورت بین‌المللی به خود می‌گیرد و مهاجران در جستجوی فرصت‌هایی هستند در آن سوی مرزهای بین‌المللی کشورشان. با در نظر گرفتن مشکلات سازگاری مهاجران در شهرهای نسبتاً آشنای کشورشان، می‌توان پیش‌بینی کرد که فرایند سازگاری آنان با شهرهای ناآشنای کشورهای مقصد، چه مدت به طول خواهد انجامید و یا به کلی نافرجام خواهد ماند. درگیر شدن با یک محیط کاملاً متفاوت با فرهنگ‌های ناآشنا البته مسئله سازگاری را مشکل‌تر و پیچیده‌تر خواهد ساخت. وضع قوانین بسیار سختگیرانه مهاجرتی از طرف کشورهای توسعه‌یافته در سال‌های اخیر به ایجاد اردوگاه‌های مرزی در بسیاری از این کشورها منجر شده است. وضع نامطلوب این اردوگاه‌ها و فشارهای روحی مربوط به اسکان و سخت‌گیری‌های کشورهای مقصد در زندگی آینده مهاجران و فرایند سازگاری آن‌ها - حتی در صورت موفقیت در مهاجرت - تأثیرات منفی به جای می‌گذارد. (جمالی، ۱۳۸۱: ۷۵)

عدم سازگاری و تطابق با محیط عاملی بسیار قوی در ارتکاب جرم از ناحیه مهاجران است. البته نباید تصور کرد که مشکلات مربوط به سازگاری تنها دامنگیر طبقه خاصی از مهاجران مانند کارگران است. کلیه مهاجران از هر گروه سنی و جنسی با هر طبقه اجتماعی، به نحوی مشمول تبعیض‌های کشور پذیرنده هستند. درست است که ماهیت سازگاری از فردی به فرد دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است ولی همه مهاجران در کشور پذیرنده در یک احساس شریک هستند و آن اینکه در جایی به سر می‌برند که وطن آنان نیست. این احساس و دیگر برداشتهای عاطفی و روانی مهاجران در طول زمان و در مکان‌های مختلف با تغییراتی که که در مقصد مهاجرت حادث می‌شوند، به صورت متفاوتی بروز می‌کنند. به هر حال اگرچه واکنش مهاجران ممکن است در برابر تبعیض‌های موجود در جامعه مهاجرپذیر متفاوت باشد آثار منفی و دیرپایی بر روی رفتارهای مهاجران به جای می‌گذارد. (همان: ۶۵)

تراکم، فقر، کاربرد مختلط، کوچ‌گری و خرابی ساختمان‌ها. او استدلال کرد که این ۵ ویژگی ساختاری به شیوه‌های گوناگونی بی‌اخلاقی را در بین ساکنان محله افزایش می‌دهد و فرصت‌های بیشتری برای ارتکاب جرم فراهم می‌آورد. (عبدالحسینی، ۱۳۹۶:

مفهوم تعارض فرهنگی در قرن ۱۹ توسط مکتب تحقیقی با ارائه نظریه مجرم مادرزاد توسط «لومبروزو<sup>۱۱</sup> و فری<sup>۱۲</sup>» با تأکید بر ضرورت جنبه‌های انسان‌شناختی بزهکاری و سعی در توجیه علل بزهکاری از دیدگاه عملی ضمن اعتقاد لومبروزو بر ساختار اجتماعی بزهکاران که علت اصلی ارتکاب بزه است، مطرح شد. در جهت مخالف نظر او، نظریه دورکیم مطرح شد که می‌گفت: «ریشه‌های بزهکاری و رفتار انحرافی را باید در ساختار اجتماعی، فرهنگی و رفتارهای انحرافی یک جامعه جستجو کرد». او رفتارهای مجرمانه را محصول ناهنجاری‌های بیولوژیک و انتقال بزهکاری از اجداد به احفاد نمی‌دانست که به طور طبیعی از وضع اجتماعی که در آن افراد به سر می‌برند، منشأ بگیرد. او بزهکاری را پدیده‌ای عادی می‌دانست که در همه جوامع به

چشم می‌خورد و حتی علامت سلامت جامعه است. (هاشم‌بیگی، ۱۳۸۳: ۱۷)

پس از جنگ جهانی دوم برخی اندیشمندان به ویژه سلین، جامعه‌شناس آمریکایی نظریه دورکیم را مورد اقبال قرار داد. او با انگشت نهادن بر تعارض فرهنگی و نقش آن در ارتکاب جرم، آن را محصول شوک یا ضربه‌ای می‌داند که از تعارض بین هنجارها و رفتارهای مختلف و ناهمگون در جامعه ایجاد می‌شود و تعارض فرهنگی از مبارزه روانی بین ارزش‌های اخلاقی با هنجارهای رفتاری متضاد یا ناهمگون ایجاد می‌شود. در جوامع امروزی که شکل جمعیت از لحاظ یکدستی خارج شده، به واسطه ارتباطات گسترده و نفوذ فرهنگ‌ها بر همدیگر، جوامع به سمت همگرایی و وحدت فرهنگی پیش می‌روند اما خرده‌فرهنگ‌های فرعی رواج زیادی یافته است. (عبدالحسینی، ۱۳۹۶: ۱۰۴) مهاجرت مولفه غیرقابل انکاری است که در خود و با خود فرهنگ مهاجر را به همراه دارد و هیچ بعید نیست اگر در جامعه مقصد این تعارض خود را بنماید.

چنان‌چه از دید طرفداران این نظریه در بسیاری از مهاجرت‌ها بین گذشته فرهنگی فرد مهاجر و فرهنگ محل مهاجرت تفاوت و چه بسا تعارض فرهنگی وجود دارد. وجود این اختلافات فرهنگی، سازگاری فرد مهاجر را با محل جدید (مقصد مهاجرت) دشوار می‌کند و به همین سبب هنجارهای جامعه جدید از سوی مهاجران نقض شده و نرخ جرم بالاتر می‌رود. (محمد نسل، ۱۳۹۸:

۲۹۹)

به لحاظ مفهومی می‌توان فرهنگ را از جامعه متمایز ساخت اما پیوند تنگاتنگی بین آن‌ها برقرار است و در بسیاری حیطه‌ها بر هم تأثیر دارند و از هم تأثیر می‌گیرند. بنیان همه فرهنگ‌ها تصورات و اندیشه‌هایی است که مشخص می‌کند چه چیزی مهم و ارزشمند است. این تصورات انتزاعی با ارزش‌ها به آدمیان در تعامل با دنیای اجتماعی معنا می‌دهند و آن‌ها را هدایت می‌کنند. هنجارها قواعدی برای رفتار هستند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند و تجسم می‌بخشند. ارزش‌ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار

اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی شکل می‌دهند. (گیدنز، ۱۳۹۷: ۳۵)

درک این عناصر سازنده فرهنگ و پیروی از آن‌ها در جوامع بسیط آن چنان دشوار نیست اما در جوامع کنونی که در سده حاضر روزانه پذیرای تعداد قابل توجهی افراد جدید از جوامع دیگر هستند بعضاً با سختی‌هایی همراه است. لزوم هماهنگی و هم‌رنگی با محیط جدید به تغییرات فرهنگی نسبتاً مشخصی در افراد مهاجر منجر می‌شود که به ناچار گروه‌های فرهنگی خاصی را در شهرها ایجاد می‌کنند که با نام خرده‌فرهنگ شناخته می‌شوند. در صورت رخداد تعارض قومی و چالش بین فرهنگ خودی و فرهنگ‌های

<sup>۱۱</sup> Cesare limbroso

<sup>۱۲</sup> Enrico Ferri

بیگانه، چهره مثبت تنوع فرهنگی تغییر می‌یابد و در خلال خرده‌فرهنگ‌هایی که در جامعه تشکیل می‌شوند چون بستر جامعه آن را مهیای انجام جرم می‌سازد، از سوی برخی افراد که نمی‌توانند تعارضات موجود را تاب بیاورند، خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه شکل می‌گیرد و چه بسا به دنبال آن مسئله تعارض فرهنگ‌ها و یا تضاد آن‌ها و مشکلات دیگر فرهنگی گریبان‌گیر افراد در جامعه شود که همه این‌ها در درجه نخست انسجام اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهند و در مراحل بعد در موارد چشمگیری جامعه را با پاسخ جرم مخاطب قرار می‌دهند. (عبدالحسینی، ۱۳۹۶: ۹۰)

تحت تأثیر نظریه بی‌نظمی اجتماعی، ادعا می‌شود که مهاجرت به این دلیل که موجب بی‌ثباتی جمعیتی یا دگرگونی مسکونی می‌شود، ممکن است با افزایش میزان جرم در محلات رابطه مستقیم داشته باشد. این تغییر در وضعیت سکونت خود باعث افزایش جرم می‌شود چرا که همبستگی اجتماعی را تضعیف کرده و کنترل اجتماعی غیررسمی را کاهش می‌دهد که همین موارد، عوامل اصلی در مبارزه با جرم به شمار می‌آیند. (مروتدار، ۱۳۹۵: ۱۴۴)

در مهاجرت‌های دوره حاضر به ایالات متحده آمریکا شاهد تفاوت مهمی هستیم که افزون بر ریشه‌های ملیتی است. مهاجران کنونی برخلاف مهاجران دوره‌های پیشین که در مناطق مادر شهری ساکن می‌شدند اکثراً غیر سفیدپوست هستند، زبان‌هایی غیر از انگلیسی صحبت می‌کنند، دارای گستره عظیمی از موقعیت اجتماعی، دین و فرهنگ هستند و حتی از لحاظ موقعیت‌ها نیز متفاوت‌اند. (همان: ۱۴۸)

در این بین جرایم ارتكابی توسط مهاجران و پناهجویان غالباً به عنوان نشانه‌ای از بیگانگی و تفاوت فرهنگی آن‌ها از جمعیت‌های بومی انگاشته می‌شود. این برداشت که جرم ارتكابی توسط مهاجران تا حدی نتیجه خصایص جرم‌زا، پیشینه فرهنگی، کمبود همانندسازی و کمبود ارزش‌های به اصطلاح غربی است، به ایده رایج مناظرات سیاسی و رسانه‌ای معاصر تبدیل شده است. مفهوم فرهنگ همچون ویژگی‌های جرم‌زا به هیچ‌وجه رویکردی جدید در تشریح جرم و کجروی نیست. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، ایده جمعیت‌های به حاشیه رانده شده‌ای مانند بیگانگان فرهنگی با جمعیت‌هایی که از سیستم ارزشی حاکم بر جامعه تبعیت نمی‌کنند تأثیر بسزایی در مناظرات در خصوص «زیرطبقه» در ایالات متحده داشته است. در آن زمان منتقدان جناح راست شاهد تعداد در حال افزایش جمعیت فقیران شهری (اکثراً سیاهپوست) بودند که بی‌قیدی افراطی در امور جنسی و ویژگی آنان بود. آن‌ها همچنین در اخلاق کاری، خویشتن‌داری و ارزش‌های خانوادگی ضعف داشتند. (کانیا فرانکو، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

این باور که احتمال مجرم بودن مهاجران بیش از اهالی است و نیز اینکه مهاجران فاقد ویزا اصولاً مجرم‌اند، خاستگاه اساسی ایدئولوژی ضد‌مهاجرت در آمریکاست. این کلیشه درباره مجرمیت مهاجران افزون بر انگ زدن‌های ناجوانمردانه، به بیشتر مهاجران قانون‌مدار به وضع قوانین سخت‌گیرانه درباره مهاجران انجامیده است. این قوانین سخت‌گیرانه به دستگیری تعداد زیادی افراد منجر شده که در بازداشتگاه‌ها یا زندان‌ها می‌مانند و در نهایت اخراج می‌شوند و بالاترین رقم اخراج از آمریکا در تاریخ را رقم زده‌اند. (مروتدار، ۱۳۹۵: ۸)

پلیس به طور روزانه، آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار را به عنوان مظنونان برخی جرائم در نظر گرفته، بدون وجود دلایل معقولانه در گشت‌های روزانه خود، آن‌ها را به طرز نامناسبی متوقف و بازداشت می‌کند. (Chambliss,etal,2012,64)

کسی که به بیش از یک جهان تعلق دارد، بیش از یک زبان صحبت می‌کند، بیش از یک هویت و بیش از یک خانه دارد. کسی که آموخته بین فرهنگ‌ها زندگی کند، کسی که محصول چند تاریخ و فرهنگ است، آموخته با تفاوت زندگی کند و در حقیقت از تفاوت صحبت کند. سده ۲۱ سده چالش‌های متعددی است که مهاجرت یکی از آنهاست. مهاجرت و ارتباط آن با افزایش یا کاهش جرم همواره یکی از دغدغه‌های اندیشمندان جامعه‌شناس و جرم‌شناس بوده است. طرفداران دیدگاه وجود رابطه میان مهاجرت و افزایش جرم باورمندند میان افزایش جرم در شهرهای بزرگ و مهاجرت ارتباط وجود دارد. رویکرد آنان نظریات مختلفی همچون: تعارض فرهنگی، فشار، آنومی یا هرج و مرج، کنترل اجتماعی و نظریه معاشرت‌های ترجیحی است. از دیگر سو طرفداران دیدگاه وجود رابطه میان مهاجرت و کاهش جرم می‌پذیرند که برخی مهاجرت‌ها و برخی مهاجران ممکن است سبب افزایش جرم در جامعه شوند اما برخی دیگر هم وجود دارند که پیوستن آن‌ها به جامعه مقصد می‌تواند اسباب کاهش جرم را فراهم آورد. آنان باورمندند مهاجران با کارآفرینی، نوآوری و کار فراوان در قبال دستمزد پایین سبب رونق اقتصادی شده و در کنار تبادل فرهنگ‌ها به شکوفایی اقتصادی یاری می‌رسانند.

بر پایه نظر نوآم چامسکی<sup>۱۳</sup> نظریه‌ای که در آن جمعیت تعیین‌کننده تعداد شغل‌ها باشد، اشتباه است. برعکس، رشد جمعیت از طریق مهاجرت سبب ایجاد مشاغل می‌شود و در عین حال تقاضا برای پر کردن این موقعیت‌ها بالاست. در حالی که تأثیر اقتصادی مهاجرت در هر ایالت متفاوت است و به شدت به شرایط اقتصادی آن ایالت در آن زمان بستگی دارد، می‌توان ملاحظه کرد که مهاجرت اغلب تأثیر مثبت بر سطح اشتغال کشور میزبان دارد.

بی‌تردید اگر میان هنجارها و باورهای شخص مهاجر و جامعه مقصد تعارض و تقابل شدید وجود داشته

باشد، اگر فرد مهاجر امکان اشتغال یا زندگی سالم را در جامعه مقصد نداشته و یا خود دارای پیشینه یا زمینه ارتکاب جرم باشد به سادگی می‌توان پیش‌بینی کرد که مهاجرت با افزایش جرم ارتباط مستقیمی دارد. در عین حال عواملی چون: مدت مهاجرت، فاصله بین مبدأ و مقصد مهاجرت، خواست مهاجر بر جرم‌زایی و قانونی یا غیرقانونی بودن مهاجرت بر رابطه میان مهاجرت و افزایش جرم دامن می‌زند. پژوهش‌ها گواه این مدعاست که انگیزه مهاجرت در کشورهای توسعه‌یافته کمتر اقتصادی است و این مردم جوامع در حال توسعه هستند که با انگیزه‌های اقتصادی مهاجرت می‌کنند. در این حالت مهاجران فاقد تخصص و مهارت خاص اند و گاه در جامعه مقصد برای نیل به مقاصد اقتصادی دست به ارتکاب جرم نیز می‌زنند. مهاجرت‌ها که معضل اصلی فقر اقتصادی است به گسترش حاشیه‌های شهری و حاشیه‌نشینی دامن زده است. حاشیه‌نشینی که اخیراً با اصطلاح سکونتگاه غیررسمی<sup>۱۴</sup> شناخته می‌شود، در هر فرهنگی در سراسر جهان، معادل‌های خاص خود را دارد. جمعیت مناطق حاشیه‌نشین در برخی شهرها گاه بیش از نصف آن‌ها را تشکیل می‌دهد، مانند آدیس آبابا در اتیوپی با ۸۵ درصد و آنکارا در ترکیه با ۵۱ درصد که آمارهای تکان‌دهنده‌ای است.

این باور که مهاجرت با خود مجرمیت به دنبال دارد و مهاجران صرف نظر از قانونی یا غیرقانونی بودن مستعد ارتکاب هر نوع جرمی هستند تنها محدود به ایران نیست. آمریکاییان مدت‌ها بر این باور بودند که مهاجران سبب افزایش جرم هستند. شمار مهاجران بسیار زیاد اعم از قانونی و غیرقانونی که همه ساله به آمریکا وارد می‌شوند، آن‌ها را مستعد دریافت چنین باوری کرده است. اما پرسش

<sup>۱۳</sup> Noam Chomsky

<sup>۱۴</sup> Informal Settlement

این جاست که دلیل این باور عمومی چه بوده؟ آیا مهاجران گرایش بیشتری به جرم دارند؟ یا مهاجرت در نفس خود جرم‌زاست؟ شوربختانه پاسخ دادن به این پرسش‌ها بسیار دشوار است زیرا آمار و اطلاعات درباره نظر عموم و وجود شناساگرهایی برای مهاجران و اطلاعات مربوط به تابعیت آن‌ها در اسناد اداری، سبب می‌شود تا نتوان میزان فعالیت‌های مجرمانه مهاجران را بررسی کرد. در عین حال ارتکاب جرایم خشن و شیوع آن در مناطق حاشیه‌ای از جمله شاخص‌هایی است که ناخودآگاه باور ارتباط میان مهاجران و جرم را تقویت می‌کند.

نکته بسیار مهم این است که نظریه‌های مرتبط با مهاجرت و جرم که در غرب به بار نشسته، پیوسته بر این موضوع تأکید داشته‌اند که مهاجرت در نفس خود و با توجه به دلایل و انگیزه‌های آن و آمادگی بسترهای لازم در جامعه مقصد می‌تواند مولفه‌ای تأثیرگذار بر ارتکاب جرم باشد ولی این سبب نمی‌شود که مهاجران را مجرمان نهفته (بالقوه) بیانگاریم. اما در ایران باز هم با توجه به دلایل و انگیزه‌های مهاجرت و بدتر از همه نبود ساماندهی قانونمند برای مهاجران، نفس مهاجرت با ارتکاب جرم پیوندی ندارد و این رابطه به واسطه ارتکاب جرم از ناحیه مهاجران در مناطق مهاجرنشین، به شدت تقویت شده است.

اگرچه ورود غیرقانونی شمار زیادی از افغانه به ایران و ارتباط شماری از آن‌ها با شبکه قاچاق موادمخدر ناخودآگاه ورود غیرقانونی مکزیکی‌ها به آمریکا و مافیای موادمخدر را به یاد می‌آورد. عموماً هر دو دسته از مهاجران در اشتغال، مسکن، درآمد و رفاه نسبی زندگی از حداقل‌ها برخوردار بوده‌اند. هرگاه دولت‌ها در پی حل معضلات و مشکلات مربوط به مهاجران برآمده و به ساماندهی آنان پرداخته‌اند، نتایج روشن و سودمندی حاصل شده که زیست مسالمت‌آمیز مهاجران و بومیان را کنار هم تسهیل کرده است.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. دانش، تاج‌زمان، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، کیهان، تهران، چاپ ۱۲، ۱۳۹۳.
۳. دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، برگردان: علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴. عبدالحسینی، زهرا، اثرات جرم‌زایی مهاجرت بر نسل دوم، میزان، تهران، پاییز ۱۳۹۶.
۵. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، برگردان: منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ ۲، ۱۳۷۴.
۶. نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی (با تجدید نظر و اضافات)، آموزش و سنجش، چاپ ۱۵، ۱۳۹۱.
۷. ولد، جرج؛ توماس برنارد؛ جفری اسنیپس، جرم‌شناسی نظری، برگردان: علی شجاعی، سمت، چاپ ۴، تهران، پاییز ۱۳۹۰.
۸. بررسی ویژگی‌های مهاجران و غیرمهاجران در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، وابسته به نهاد ریاست جمهوری، سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸.
۹. جانتن، الهه؛ محمدعلی فلاحی، احمد سیفی، بررسی عوامل موثر بر مهاجرت از کشورهای توسعه‌یافته به کشور آمریکا، نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۱۰. جمالی، فیروز، مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران، نشریه ادبیات و زبان فارسی، شماره ۱۸۲، بهار ۱۳۸۱.
۱۱. جمشیدی، محمد؛ زهرا عازمی، عوامل تحول سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده آمریکا ۲۰۱۶-۱۹۱۷، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰.
۱۲. عباسی، مراد، عبداللطیف کاروانی، رابطه بین فرهنگ فقر و ارتکاب جرم در مناطق حاشیه نشین، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال پانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۷) بهار ۱۳۹۹.
۱۳. مروتدار، حامد، سیاست مهاجرت و جرم، دانش انتظامی خراسان رضوی، ۱۳۹۵.
۱۴. مصطفی‌زاده، محمد، علی‌اکبر عرب مازار، نهادهای حکمرانی بر مهاجرت بین‌المللی نیروی کار ایران، نشریه سیاست-گذاری اقتصادی (علمی، پژوهشی) شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۱۵. هاشم‌بیگی، حمید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: مهاجرت و ارتباط آن با جرم در حوزه قضایی کرج، ۱۳۸۳.
16. Budiman, Abby. (2020, August) "Key Findings about U.S immigrants", Pew research center (pwwesenrh.org) Available at; <http://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/08/20/key-findings-about-us-immigrants> (Accessed 24 May 2021).
17. The Politics of Immigration and Crime, Mary C. Waters and Jessica T. Simes, The oxford Handbook on Ethnicity, Crime and Immigration, Oxford, 2014.